



دانشگاه شیراز

انتشارات دانشگاه شیراز

۵۱۹

# تحفه السالک

میرزا محمد صادق درویش کازرونی

مقدمه، تصحیح و توضیح

دکتر خیرالله محمودی

دانشیار بخش ادبیات دانشگاه شیراز

Shiraz University	میرزا محمدصادق درویش کازرونی	سرشناسه
میرزا محمدصادق درویش کازرونی	عنوان و نام پدیدآور	
مقدمه، تصحیح و توضیح خیرالله محمودی	مشخصات نشر	
شیراز: دانشگاه شیراز، مرکز نشر، ۱۳۹۶	مشخصات ظاهری	
ر. ۲۹۸، ص. ۵۱۹	فروست	
انتشارات دانشگاه شیراز:	شاپل	
۹۷۸۹۶۴۶۲۵۱۹۰	وضعیت فهرست نویسی	
فیبا	یادداشت	
کتابنامه: ص. ۲۹۷	یادداشت	
نمایه	یادداشت	
کازرون	موضوع	
Kazerun (Iran)	موضوع	
شعر فارسی -- قرن ۱۳ ق.	موضوع	
Persian poetry -- 19th century	شناسه افزوده	
محمودی، خیرالله، مصحح	شناسه افزوده	
دانشگاه شیراز: مرکز نشر	رده بندی کنگره	
DSR ۱۳۹۶ / ۴۵۴۱۱۵	رده بندی دیوبی	
۹۵۵/۶۳۶	شعاره کتابشناسی ملی	
۵۰۶۰۲۳۴		

## تحفه السالك



میرزا محمدصادق درویش کازرونی

مقدمه، تصحیح و توضیح دکتر خیرالله محمودی

حروفچین رایانه‌ای: فاطمه منقوش

صفحه آرا: زینب دهقانی

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

حق چاپ برای مرکز نشر دانشگاه شیراز محفوظ است

شیراز، میدان ارم، کوی دانشگاه شیراز - کد پستی ۷۱۹۴۶ - ۸۵۱۱۵ - ۱۱۶۱

تلفن و تلفکس: ۰۷۱۳۶۲۷۳۰۵۰

## شورای انتشارات دانشگاه شیراز

معاون پژوهشی دانشگاه و رئیس شورای انتشارات	دکتر قاسم حبیب‌آگهی
جانشین معاون پژوهشی دانشگاه در شورای انتشارات	دکتر علیرضا سرداریان
رئیس مرکز نشر	دکتر هاجر ستوده
دانشکده حقوق و علوم سیاسی	دکتر محمد امامی
دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر	دکتر مهرزاد بیغش
دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی	دکتر مرتضی خسرو نژاد
دانشکده مهندسی	دکتر سید مجتبی زبرجد
دانشکده علوم	دکتر نوذر سامانی
دانشکده مهندسی شیمی، نفت و گاز	دکتر علیرضا شریعتی
دانشکده هنر و معماری	دکتر حمیدرضا شریف
دانشکده الهیات و معارف اسلامی	دکتر عبدالعلی شکر
دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی	دکتر احمد صدرایی جواهری
دانشکده ادبیات و علوم انسانی	دکتر حسین کیانی
دانشکده کشاورزی	دکتر مرضیه موسوی نسب
دانشکده دامپزشکی	دکتر ناصر وصال



تقدیم به روح جاودانه، مسیر بزرگوارم



## فهرست مندرجات

عنوان	
پیش‌گفتار مصحّح	ط
مقدمه مصحّح	ی
فصل اول: ذکر دیباچه	۵
فصل دوم: ذکر قصبه و بلده کازرون	۱۰
فصل سیم: ذکر بلوک شاپور	۱۵
فصل چهارم: ذکر محلّات و باغ‌نظر کازرون	۲۱
فصل پنجم: در بیان حالات مشایخ کبار و مزارات و قبورات و اشعار و گزارشات ایشان	۲۲
فصل ششم: بیان بقاع و امامزادگان و ذکر اولاد حضرت موسی ابن جعفر، علیه السلام	۳۲
فصل هفتم: ذکر سلسلة خوانین کازرون	۳۵
فصل هشتم: ذکر سلسلة سادات شیخ‌الاسلامی	۳۹
فصل نهم: ذکر سلسلة سادات طباطبائی	۴۲
فصل دهم: سلسلة مشایخ	۴۸
فصل یازدهم: اطبای کازرون	۵۴
فصل دوازدهم: در ذکر سلسلة خواجه مظفر و حاجی کاظم	۵۶
فصل سیزدهم: ذکر خم غدیر	۶۲
فصل چهاردهم: ذکر اعیان و اکابر و ریش‌سفیدان	۶۶
فصل پانزدهم: ذکر اشراف کازرون	۶۸
فصل شانزدهم: ذکر حالات سلسلة تجّار و سلسلة ملک‌التجّار کازرون	۶۹
فصل هفدهم: در بیان اقالیم سبعه، بر سبیل اجمال و ربع مسکون	۷۲
فصل هجدهم: ذکر بقیّة علماء و فضلا و اعیان و اشراف	۷۷
فصل نوزدهم: ذکر اعیان و ریش‌سفیدان و کدخدایان	۷۸
فصل بیستم: در ذکر شعرای متقدّمین و برخی از اشعار ایشان	۸۲
فصل بیست و یکم: در ذکر شعرای متاخرین و برخی از اشعار ایشان	۸۹
فصل بیست و دوم: ذکر فواید سفر و برخی از اندرز بزرگان	۱۰۶
فصل بیست و سیم: بیان حال آقا محمد درویش و شرح حال رقم	۱۱۲
فصل بیست و چهارم: در بیان اولاد آقا محمد و ذکر حالات مولانا شاه نعمت الله ولی	۱۲۰
فصل بیست و پنجم: در ذکر اکسیر	۱۲۹
فصل بیست و ششم: ذکر قراء کازرون	۱۳۶
فصل بیست و هفتم: ذکر قنوات و میاه و برکه و باغ و بساتین کازرون	۱۴۲
فصل بیست و هشتم: در ذکر اسواق و محصولات و مساجد و حمامات	۱۴۷

۱۵۰	فصل بیست و نهم: در بیان معافی عصّارخانه کازرون
۱۵۲	فصل سیام: در هیأت جدید به قانون حکمای اروپ
۱۵۶	فصل سی و یکم: بیان مجملی از حالات شیخ ابواسحاق و شیخ قطب الدین محمود و شیخ زین الدین
۱۶۰	فصل سی و دوم: ذکر تلگرافخانه و پستخانه و جماعت یهود
۱۶۳	فصل سی و سوم: در بیان عدد آمت ختمی مرتبت (ص) و عدد نفوس خلائق و تاریخ طوفان
	نوح (ع)
۱۶۷	فصل سی و چهارم: ذکر کازرون در بوستان السیاحه
۱۶۹	فصل سی و پنجم: در ذکر فضلا و ناکرین و بقیه حکما
۱۷۴	فصل سی و ششم: در ذکر مشروطه
۱۷۷	فصل سی و هفتم: در ذکر مجملی از فارس و حدود و سامان آن
۱۸۲	فصل سی و هشتم: در ذکر برخی از اشعار راقم حروف
۲۷۹	نمايه
۲۹۷	كتابنامه

## هُوَ الْوَلَىُّ الْحَمِيدُ

### پیش‌گفتار

کتاب تحفه السالک اثر محمد صادق بن محمد حسن بن حسینعلی بن آقا محمد درویش کازرونی مختلص به سالک و مشهور به مرشد، از شاعران و نویسنده‌گان دوره قاجار است. این کتاب در شرح احوال شهرستان کازرون و توابع آن تألیف شده است. در این اثر، شهر کازرون از نظر تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی وصف شده است.

مؤلف در این کتاب، گزارش جامع و مبسوطی از اوضاع تاریخی و جغرافیایی بویژه طبقات اجتماعی کازرون را بیان می‌کند که بیانگر آگاهی کامل وی از شهر کازرون و احوال آن شهر را دارد. این کتاب شامل دو بخش است که قسمت اول در شرح احوال کازرون و توابع آن است و قسمت دوم کتاب، مجموعه‌ی اشعار مؤلف است که در قالب‌های قصیده، مثنوی، غزل و رباعی سروده شده است. از این کتاب تنها یک نسخه موجود است که به خط مؤلف می‌باشد و در کتابخانه اسناد ملی شیراز نگهداری می‌گردد.

در تصحیح این نسخه گاه مطالبی وجود داشت که به شرح و توضیح نیاز داشت؛ به همین دلیل برای استفاده بهینه‌ی خوانندگان توضیح مطالب در پاورقی همراه با تصحیح نسخه آمد. اصلاحات نسخه و دخل تصرف در عبارات آن با علامت اختصاری «ن» در پاورقی ذکر شد. در پایان کتاب، فهرستی از آیات، احادیث، اشخاص، مکان‌ها و کتاب‌ها تنظیم گردید. این فهرست بویژه نام اشخاص و مکان‌ها برای خوانندگان می‌تواند مفید باشد.

در اینجا لازم است بعد از سپاس و حمد و ستایش ایزد متن از عزیزانی که در تصحیح این اثر بندۀ را یاری کردند سپاسگزاری کنم؛ بویژه دوست بزرگوارم آقای احسان الله عظیمی که محل این نسخه را به بندۀ اطلاع دادند. سرکار خانم خدیجه کیانی دانشجوی دکترای ادبیات فارسی اصفهان که در بازخوانی نسخه با بندۀ همراهی کردند، آقای محمد محمودی و سرکار خانم سلما محمودی (فرزنده‌نام) زحمت تنظیم فهرست‌ها و بازخوانی متن را بر عهده داشتند و سرکار خانم فاطمه منقوش که متن کتاب را حروف‌چینی رایانه‌ای کردند و همه‌ی عزیزانی که به گونه‌های مختلف بندۀ را یاری کردند. اجر همه‌ی آن‌ها با حضرت حق باد.

بیستم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و پنج  
صادف با ما محرم الحرام یکهزار و چهارصد و سی و هفت  
دانشگاه شیراز  
خیرالله محمودی

## مقدمه‌ی مصحح

### شرح حال مؤلف نام و شهرت

محمد صادق بن محمد حسن بن حسینعلی بن آقا محمد درویش کازرونی، از شاعران و نویسنده‌گان عصر قاجار است. تخلص وی «سالک» و مشهور به «مرشد» می‌باشد.  
در کتاب مرآة الفصاحه درباره‌ی وی آمده است: «سالک فارسی (کازرونی) ملقب به مرشد کازرونی، اسمش آقا محمد صادق بن آقا محمد حسین. صاحب مرآة الفصاحه او را دیده است». سپس بیتی از او نقل می‌کند.

هر آن کس آگه از سر قضاشد  
به چوگان قدر، گوی رضاشد<sup>۱</sup>

صاحب کتاب آثار عجم در شرح حال وی می‌گوید:  
«جناب میرزا محمد صادق، از سلسله مرشدین مذکور است. در حسن عقیدت، بی‌بدل و به نیکی فطرت، ضربالمثل. در شیراز ساکن. اوقاتی به طاعت مصروف می‌دارد».<sup>۲</sup>

### سال و مکان تولد

تولد میرزا محمد صادق، بر اساس گفته‌ی خود در همین کتاب سال ۱۲۶۸ هجری قمری است و در شهر کازرون دیده به جهان گشود.<sup>۳</sup>  
وی در شرح حال خود می‌گوید:

«تا چهارده سالگی که از درس فارسی فراغت حاصل نمود، مشغول مقدمات صرف و نحو گردید. در خدمت والد ماجد به شیراز آمده، خدمت مولانا میرزا مسیح تحصیل نموده، پدر در تربیتم اقدامات فوق العاده داشت تا در سنه‌ی ۱۲۹۹ والد از مرض وبا از دار فنا به عالم بقا رخت بربست. از فوت پدر پریشان، مفارقت آن جناب به درجه‌ای مؤثر گردید که زیست در کازرون جایز ندانسته، به شیراز آمده، خدمت علمای شامخین و عرفانی ادبی، فیض طلب گردیده».<sup>۴</sup>

۱- مرآة الفصاحه، ص ۲۶۴

۲- آثار عجم، ص ۵۳۰

۳- تحفة السالک، ص ۲۱۵

۴- همان، ص ۱۵۵

## خانواده میرزا محمد صادق (سالک)

میرزا محمد صادق، نوهی آقا محمد درویش کازرونی است. آقا محمد درویش کازرونی یکی از بزرگان سلسله‌ی ذهبیه و مرید آقا محمد هاشم درویش شیرازی، سی و سومین قطب سلسله‌ی ذهبیه است. مؤلف کتاب در شرح حال جد خود می‌نویسد:

«بالجمله مولد آن جناب [آقا محمد درویش کازرونی] در کازرون بوده و در بیست سالگی علوم دینیه کما ینبغی دیده و دوره‌ی حکمت الهیه ورزیده، پس از فراغ از تحصیل علوم، بر سرش شوری و در دلس نوری هویدا گشته، حال جذبه و انقطاع پیدا می‌کند ... مدتی در طلب و مجاهده بوده، خدمت علمای مشامخین و عرفای راشدین از آن‌ها استفاضه فیوضات نموده تا آنکه صیت آوازه‌ی جناب قطب الاقطاب، عالم ربانی و عارف صمدانی، مولانا آقا محمد هاشم، قدس سرّه، به گوش هوش آن جناب می‌رسد».<sup>۱</sup>

محمد درویش کازرونی در خدمت آقا محمد هاشم درویش شیرازی با گرفتن دستور سلوک به ریاضت و سیر و سلوک مشغول می‌گردد و به درجات عالیه‌ی عرفانی می‌رسد و سپس با اجازه پیر خود، آقا محمد هاشم درویش شیرازی، برای راهنمایی و دستگیری مریدان به کازرون مراجعت می‌کند. وی در اواخر عمر به شیراز برمی‌گردد و در همانجا فوت می‌کند. مقبره‌ی وی بر اساس گفته‌ی مؤلف کتاب در جوار قبر آقا محمد هاشم درویش شیرازی که در حافظیه می‌باشد، قرار دارد. جناب راز شیرازی، سی و پنجمین قطب سلسله‌ی ذهبیه در کتاب مناسک العاشقین درباره‌ی وفات وی می‌گویید:

به شیراز آمد و بنهد خرگاه	به شهر کازرونش بود موطن
به دل‌ها داشت ره، ممدوح افواه	ز بس پیری رؤف و نکته‌دان بود
برو رحمت فرستد هر سحرگاه	دروド حق بود بر روح پاکش
غفرالله قد طاب مثواه <sup>۲</sup>	به جنب پیر خود گردید مدفون

جناب راز شیرازی، قبل از رسیدن به خدمت پدر خود، آقا میرزا عبدالنیبا که در آن زمان قطب سلسله‌ی ذهبیه بوده است، خدمت شش نفر از بزرگان این سلسله می‌رسد. ششمین نفر، محمد درویش کازرونی بوده که وی راز شیرازی را به خدمت پدرش، میرزا عبدالنیبا راهنمایی می‌کند. جناب راز در این مورد می‌گوید:

ز جان جویای پیران خدا شد	دلم با درد حق چون آشنا شد
ز حق، او اولیا را جانشین بود	بر پیری که با شهرت قرین بود
همه اوصاف حق زو منجلی بود	محمد چون که نام آن ولی بود

۱- تحفة السالک، ص ۱۴۳

۲- قوائم الانوار و طوامع الاسرار، ص ۲۲

بگفتا از خدا شد کارت آسان  
تو را در خانه یار و رخ نهفته  
همان دان باب معنی مرادت<sup>۱</sup>

چو دید از جذبه، جانم در هراسان  
تو را در کوزه آب و تشنه خفته  
به نزد باب صورت آن که زادت

راز شیرازی در کتاب تذکرہ الاولیای خود در وصف این سالک ذهبی، اشعاری سروده است که در همین کتاب نقل شده است.<sup>۲</sup>

### سفرهای مؤلف

سالک کازرونی در طول دوران زندگی خود به شهرهای اصفهان، مشهد، تهران، بوشهر و شیراز سفر کرده است. وی در مورد سفرهایش می‌گوید:

... در همان سال [۱۳۰۷] عازم عتبه‌بوسی حضرت رضوی، علیه آلاف التحیة و الثناء گردید ... دو ماهی در خراسان و دو ماهی در طهران و یک ماهی در اصفهان توقف نمود، مراجعت به شیراز کرده، پس از چندی قونسول دولت آلمان در بوشهر احضار نموده، چند گاهی در بوشهر زیست نمود، بعد به اتفاق قونسول به اصفهان رفته، دو ماهی در اصفهان به سر برده ...<sup>۳</sup>

### فرزندان مؤلف

میرزا محمد صادق کازرونی به تعداد فرزندان خود اشاره‌ای نکرده است ولی یکی از فرزندانش به نام محمد بوده که اشعاری هم برای نصیحت او سروده است و در وصفش می‌گوید:  
فرزند ارجمندِ سعادتمندِ فقیر راقم، جناب آقا محمد - سلمه الله - سمعی جد امجد خود است. اکنون که سن معزی‌الیه، هیجده سال می‌گذرد، طبیعتش به عبادت و طاعت راغب است، از هواهای نفسانی و اعمال شیطانی اعراض و احتراز دارد، مشغول تحصیل کمالات صوری و معنوی است.<sup>۴</sup>

وی فرزند دیگری داشته که در زمان حیاتش از دنیا رفته و رباعی در رثایش سروده است:

چون ماه دو هفت‌هایم بگردید خسوف  
خورشید به چرخ چارمین گشت کسوف  
از فرقت آن عزیز نادیده جهان  
از خلق کناره‌گیرم و پوشم صوف<sup>۵</sup>

۱- قوائم الانوار و طوامع الاسرار، ص ۲۲

۲- تحفة السالک، ص ۱۴۳

۳- همان، ص ۱۵۵

۴- همان، ص ۱۵۸

۵- همان، ص ۳۴۶

## مذهب و مشرب مؤلف

میرزا محمد صادق کازرونی، اعتقاد به مذهب شیعه‌ی امامیه اثنی عشری داشته است. اشعاری که در وصف امیرالمؤمنین (ع)، غدیر خم و دیگر امامان معصوم، علیهم السلام، در این کتاب سروده، بیانگر این مطلب است.

وی دارای مشرف عرفانی و اهل سلوک بوده است؛ به همین دلیل تخلص خود را «سالک» برگزیده، و مشهور به مرشد گردیده است اما این که پیرو کدام سلسله‌ی اهل تصوف بوده و پیر و راهنمای او چه کسی بوده است بهطور صریح بیان نکرده ولی با توجه به سفرش به اصفهان احتمال دارد که پیرو سلسله‌ی ذهبیه بوده است. وی در گزارش سفرش به اصفهان می‌گوید:

«عاقبت به راهنمایی پیر و دلیل، خدمت هادی سبیل؛ اعني جناب زبدة العارفین و قدوة الزاهدین و الراشدین، حاجی میرزا جواد بیدآبادی، زید قدسه، مشرف گردیده، غالباً از فرمایشات حکمت‌آمیز آن جناب مستفیض بودم». <sup>۱</sup>

میرزا جواد بیدآبادی (آوادی) از مریدان مجdalashraf، سی و ششمین قطب سلسله‌ی ذهبیه و نماینده‌ی مجد الاشراف، در اصفهان بود.<sup>۲</sup> و مجد الاشراف بین سال‌های ۱۲۴۶ تا ۱۳۳۱ در قید حیات بوده که مقارن با زندگی مؤلف است و هم‌چنین جد میرزا محمد صادق کازرونی، مؤلف کتاب، آقا محمد درویش کازرونی است و همانگونه که به آن اشاره شد، وی یکی از مریدان جناب آقا محمد هاشم درویش شیرازی است که از طرف وی مأمور راهنمایی و دستگیری سالکان ذهبیه در کازرون بوده است.

مؤلف در شرح حال جدّ خود تمام اقطاب سلسله‌ی ذهبیه قبل از آقا محمد هاشم درویش شیرازی تا معروف کرخی را معرفی می‌کند، بنابراین به نظر می‌رسد که سالک کازرونی پیرو سلسله ذهبیه بوده و پیری که به وی دستور می‌دهد در اصفهان به خدمت آقا محمد جواد بیدآبادی برسد، مجدد الاشراف بوده است.

## وفات مؤلف

زمان و مکان وفات مؤلف در جایی ثبت نگردیده است. مؤلف، تاریخ شروع تألیف کتاب را سال ۱۳۲۵ بیان می‌کند و وضع جسمانی خود را در آن زمان بدین‌گونه وصف می‌کند که ضعف جسمانی و بینایی بر وی غالب گشته است و این احتمال دارد که تألیف کتاب حداقل یک سال به طول انجامیده است. با این توصیف مؤلف تا سال ۱۳۲۶ در قید حیات بوده و مرگ وی در همان سال یا بعد از آن اتفاق افتاده است چون شرایط جسمانی و بینایی او به گونه‌ای بوده است که امکان سفر به جایی

۱- تحفة السالک، ص ۱۳۸

۲- مقدمه‌ی کوثرنامه

نداشته و در این زمان هم مشغول تألیف کتاب خود بوده است بنابراین در کازرون سکونت داشته و به نظر می‌رسد وفات وی در همان شهر اتفاق افتاده است.

## معرفی کتاب تحفة السالک تاریخ تألیف

کتاب تحفة السالک در سال ۱۳۲۵، همزمان با حکومت محمدعلی شاه، تألیف گردیده است؛ چنانکه مؤلف در مقدمه می‌گوید:

بعد چنین گوید: اقل خلیقه بل لا شیء فی الحقیقۃ، تراب اقدام فقراء، سرگشته‌ی وادی حیرانی، محمد صادق بن محمد حسن بن حسینعلی بن آقا محمد درویش کازرونی ... در بدو سلطنت دولت پرشکوه ابد مدت ... محمد علی شاه قاجار که چند روزی است بر تخت سلطنت موروثی آبا و اجداد خود جلوس می‌مینست مأنوس فرموده‌اند. در هذه السنة (۱۳۲۵) ... این فقیر بی‌پیاعت به مضمون «ن النفس ان لم تشغله شغلتك» مغض اشتغال به خیال افتاد که شرح بنای کازرون و گزارشات آنجا را از بدو الی زماننا هندا کما ینبغی بنگارد؛ لهنا با عدم حواس و پراکندگی خاطر به نگارش این نسخه پرداخت.<sup>۱</sup>

## موضوع کتاب

کتاب تحفة السالک در شرح احوال کازرون و توابع آن است. این کتاب شامل دو بخش اصلی است؛ یکی در شرح احوال کازرون و مطالب متفرقه و دوم اشعار مؤلف است.

## اهمیت کتاب

کتاب‌های تاریخ محلی که در شرح احوال یک شهر یا منطقه نگاشته می‌شود از جهات مختلف با ارزش است. درباره‌ی شهر کازرون در آثاری که دیگران نگاشته‌اند به اجمالی بیان شده است. از جمله: فارسنامه ناصری، آثار عجم، مرآۃ الفصاحه و آثار الرضا اما کتابی که به صورت کامل و جامع درباره‌ی این شهر و توابع آن نگاشته شده باشد وجود ندارد. به همین دلیل این کتاب تنها اثر مکتوبی است که درباره شهر کازرون و احوال آن کامل نوشته شده است.

## محتوای کتاب

همانگونه که در قبل گفته شد، محتوای این کتاب شامل دو بخش است، بخش اول شرح احوال کازرون و توابع آن که شامل این مطالب است.

۱- تحفة السالک، ص ۱۰

- ۱- اوضاع جغرافیایی کازرون و توابع: در این بخش مؤلف ویژگی‌های جغرافیایی کازرون و توابع، آثار باستانی بنا شده در این شهر و جای‌های معروف کازرون را معرفی می‌کند. از خصوصیات بارز این بخش این است که مؤلف نام مکان‌های این شهر از جمله، بازارها، مساجد، محله‌ها، مکان‌های مقدس زیارتی و سیاحتی، آسیاب‌ها، باغ‌ها، قنات‌ها، تلگراف خانه و پست‌خانه‌ها، عصارخانه‌ها، رودخانه‌ها و ... به طور جامع بیان می‌کند.
- ۲- اوضاع تاریخی کازرون: در این بخش صاحب کتاب تحفه السالک تاریخ بنای شهر کازرون از آغاز و تحولات تاریخی آن تا زمان مؤلف را توضیح می‌دهد و به معرفی بناهای تاریخی این شهر می‌پردازد و به رویدادهای تاریخی که در این شهر در دوران مختلف اتفاق افتاده اشاره می‌کند و به نظر می‌رسد که صاحب این کتاب از تاریخ و رویدادهای این شهر آگاهی کامل داشته و از منابع مختلف که درباره‌ی وقایع تاریخی این شهر نگاشته شده بهره جسته است.
- ۳- طبقات اجتماعی مردم کازرون: سالک کازرونی در این کتاب تمام طبقات شهر کازرون، خانواده‌ها و اجداد آن‌ها را معرفی می‌کند؛ از جمله: طبقات تاجران، طبیبان، عارفان، مشایخ، ریس‌سفیدان، مؤذنان، اشراف، شura، خوانین، سادات، فضلا و ...
- بخش دوم کتاب، اشعار مؤلف است که بعد از حمد و ستایش خداوند متعال و مدح و وصف پیغمبر (ص) و امیرالمؤمنین و معصومین، علیهم السلام، در موضوعات مختلف سروده شده است از جمله؛ در وصف عشق الهی، داستان‌های عاشقانه مثل داستان لیلی و مجنون با روایتی که در آثار دیگران به آن اشاره‌ای نشده است، داستان عشق‌هایی که در زمان حیات مؤلف اتفاق افتاده است. داستان‌هایی از بزرگان عرفان از جمله؛ بازیزد بسطامی، معروف کرخی، ابراهیم ادhem و ... درباره‌ی وقایع تاریخی زمان مؤلف مانند میلاد امپراطور آلمان و اوضاع شهر شیراز در آن زمان. اشعاری در شکایت از روزگار غذار و نصیحت به فرزند خود، محمد، و سرانجام، رباعیات که در موضوعات مختلف سروده شده است. اشعار در قالب مثنوی، قصیده، غزل و رباعی است.

### شیوه‌ی تدوین کتاب تحفه السالک

مؤلف در آغاز کتاب مقدمه‌ای کوتاه در وصف محمدعلی شاه قاجار بیان می‌کند، سپس فهرست مطالب کتاب را می‌آورد. بعد از فهرست‌ها، فصل اول یا عنوان ذکر دیباچه با حمد خداوند متعال آغاز می‌کند. در فصل دوم به شرح احوال کازرون می‌پردازد. وی شرح هر بخش را به طور جامع و کامل بیان می‌کند به‌گونه‌ای که در معرفی طبقات اجتماعی، تمام افراد هر خانواده حتی فرزند و فرزندزادگان را نیز معرفی می‌کند اما آنچه در تدوین کتاب مشهود است پراکندگی موضوع است. به عنوان مثال شرح بخشی از مطالب ذکر شده آغاز می‌شود بعد بدون مقدمه بحث دیگری که ارتباطی به آن موضوع ندارد شروع می‌شود.

در قسمت معرفی طبقات اجتماعی مردم، بدون مقدمه مؤلف به شرح اکسیر یا شرح اقالیم سبعه می‌پردازد و سپس ابیاتی در واقعه غدیر خم ذکر می‌کند. این احتمال دارد که زمان نوشتن این مطالب مصادف با عید غدیر خم بوده است و مؤلف به دلیل اعتقاد و علاقه به این روز، تصمیم می‌گیرد که ابیاتی در واقعه این روز بیان کند.

از آوردن مطالب گوناگون در لابهای مطالب کتاب می‌توان حدس زد که مؤلف کتاب از علوم رایج آگاهی نسبی داشته است از جمله علم نجوم، جغرافیا، کیمیا و ... .

قسمت دوم کتاب مجموعه‌ی اشعار مؤلف است که در بخش قبل به آن اشاره شد.

### شیوه‌ی بیان کتاب

نوع نشر کتاب تحفة السالک مانند دیگر کتاب منتشر عصر قاجار، ساده و روان و آمیخته با زبان عامیانه است و با توجه به این که موضوع کتاب تاریخ محلی است زبان و نثر کتاب بیشتر به صورت زبان عامیانه مردم کازرون است. مؤلف کتاب گاه از اشعار فارسی و عربی شاعران بزرگ برای شاهد مطالب خود استفاده کرده است؛ از جمله اشعار سعدی، حافظ، مولوی، سنایی و دیگر شاعران. از آیات، احادیث و امثال عربی نیز بھر جسته است و در بعضی موارد نثر آهنگین و مسجع می‌شود؛ مثل مقدمه کتاب که در حمد باری تعالیٰ آمده است.

«و بعد، شکر و سپاس بی‌قیاس خالقی را سزاست که ملکش بی‌انباز و درگاه لطف و مرحمتش بر خلائق باز است. غفوری که قلم عفو را بر نامه معاصی جن و انس «و عفو عن السینات» درکشیده، گویی که از طاعت امرش هر شاخ و برگی بار دهد و خوان نعمتش به مهمنان خانه «رزقناهم من طیبات» برای هر مؤمن و کافری گسترد. مبدعی که دست مشیتش چهار طبع مخالف با هم آمیزش داد. صانعی که مملکت نفوس و ارواح را به «حسن تقویم» در قلعه ابدان انسانی جا داد و سلطنت این مملکت به دست حضرت عقل داد...».<sup>۱</sup>

### اهمیت کتاب تحفة السالک

کتاب‌های تاریخ محلی از جهات مختلف از اهمیت خاصی برخوردار است و برای محققان می‌تواند یکی از منابع مهم تحقیق باشد. در آثاری، که درباره شرح حال استان فارس نگاشته شده است. به طور اجمال درباره‌ی کازرون نیز آمده است از جمله؛ فارسنامه ناصری، فارسنامه ابن بلخی، آثار عجم، مرآة الفصاحه و آثار الرضا اما اثری که کامل به شهر کازرون و توابع آن پرداخته باشد، نگاشته نشده است. این کتاب تنها اثری است که منحصر به شهر کازرون و توابع آن است و مطالب گزارش شده جامع و کامل است؛ بنابراین می‌تواند منبع مهم و مورد اعتمادی برای محققان در موضوعات مختلف تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی آن شهر باشد.

۱- تحفة السالک، ص ۶

## معرفی نسخه‌ی تحفه السالک

از این کتاب فقط یک نسخه به خط مؤلف موجود است که در کتابخانه اسناد ملی شیراز نگهداری می‌شود.

نسخه دارای ۴۳۴ صفحه در ابعاد  $11 \times 18$  است. در هر صفحه ۱۲ سطر با خط نستعلیق شکسته و تقریباً نامرتب نوشته شده است. عنوان‌ها با رنگ شنگرف است و صفحات ساده و بدون کمند و جدول است. جلد کتاب روغنی با رنگ تیره و بدون تزئین و ترنج و لچکی است.

در مقدمه نسخه، یادداشت هدیه کننده که شخصی به نام کاظم از دری نقاش می‌باشد و از خوادگان مؤلف است نوشته شده است.

## روش تصحیح

تصحیح کتاب با توجه به تک نسخه بودن آن به روش قیاسی انجام گردید چنانچه متن نیاز به تصحیح داشت صحیح کلمه یا عبارت در متن قرار گرفت و متن نسخه در پاورقی با علامت اختصاری «ن» نوشته شد. در بعضی موارد که قسمت‌های نسخه خوانا نبود یا نیاز به تصحیح قیاسی داشت. متن اصلاح شده در علامت «[ ]» قرار گرفت و در پاورقی شکل اصلی متن نسخه قرار داده شد. اگر متنی یا واژه‌ای از نسخه قبل خواندن نبود آن قسمت با علامت «...» در متن مشخص گردید و در پاورقی با عنوان «نسخه خوانده نشد» نوشته شد.

بعضی از مطالب نسخه نیاز به شرح و توضیح داشت از آنجایی که خوانندگان این کتاب‌ها بیشتر به توضیحات نیاز دارند بنابراین آن‌ها را در پاورقی همراه با تصحیح نسخه قرار داده شد تا خوانندگان نیاز به مراجعه به تعلیقات نداشته باشند. بنابراین در پاورقی هم شرح عبارات و هم تصحیح متن قرار گرفت. در بخش تعلیقات، فهرست آیات، احادیث، مکان‌ها، اشخاص و منابع تنظیم گردید که نام مکان‌ها و اشخاص می‌تواند برای خوانندگان مفید باشد. بازنویسی متن با رسم الخط رایج امروز فرهنگستان صورت گرفت.

هُوَ اللَّهُ  
هُنْزَا كِتَابٌ تَحْمِدُ  
السَّلَامُ

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ -  
الْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمَلَائِكَةِ مَجْرِيِ الْفَلَكِ سُبْحَانَ رَبِّ الْأَجَاصِ  
الْأَصْبَاحُ بِإِنَّ الدِّينَ كَبِيرٌ الْعَالَمِينَ وَتَعَدُ  
شَكْرُ وَسَبَاسُ بِقِيمَاتِهِ فَلَمَنِي رَوَسِنَاتُ كَمَلَكَ وَشَاهِنَ  
دَوْرِ كَاهَ لَهْفَتُ وَمَهْشِشُ بِرْ خَلَادِيَنْ بازَرَتْ عَفْفُوَرِيَنْ كَرْ قَمَمْ  
عَفَرُ رَابِرْ نَادِهِ مَعَالِجَنْ دَرِنْ وَدِنْ وَأَغْرِيَسِيَاتُ  
دَرْ كَشِيدَهُ كَوِيجَ كَهْ زَرَقِيَّ عَتَتْ لَوْرِشُ وَرْ شَخَنْ وَبِرْ كَيَ

تصوير نسخة خطى تحفة سالك

## فصل اول فکر پیغمبر

باردهم و نوران نعمتیش بمنانه ماند و فتنا هم کردند  
 برین هر رون و کافری کستره ده میدانی کرد میشیش  
 پنهان طبع مخالف باهم آندرش راد صیغه که مملکت نتوس  
 والله روح در باخت نقویه از قلبه ابدان زنی خاره  
 و سلطنت این مملکت بست حضرت عقد راد فدا  
 که آدم به چه خوبی و زیب موجود است برگزیده و خلعت و کوشا  
 بجهاتم بقدر ای ادو پاشیده مانند نباشد ای  
 پکه زبان شای توکیم و پکه طرق رله تو بوسیم ای صدرا  
 لکن فیت نمی تالم مالکت دیرند ای چیز و نهیت کلشی  
 هالک ای بزم جهات الکرای عربی و اعرصه  
 جهادت کلشی ای خوش سه ای پیغمبر الاصفون  
 عنبر

مُرْغِي دَرْمَشْتَيْر دَرْدَارِي  
دَرْمَشْتَيْر دَرْدَارِي  
نَعَارَلَقَدَه مَهِرَدَه مَهِرَدَه  
بَرْكَه مَسِيرَه بَرْكَه بَرْكَه  
آمَدَه سَرْمَه سَرْمَه  
سَرْمَه سَرْمَه بَرْهَه بَرْهَه  
دَانَه كَه جَاهَلَه كَه جَاهَلَه  
جَاهَلَه جَاهَلَه كَه جَاهَلَه  
دَاهَه كَه جَاهَلَه كَه جَاهَلَه  
جَاهَلَه جَاهَلَه كَه جَاهَلَه  
بَالَّه بَالَّه بَالَّه بَالَّه



میرزا محمد صادق درویش کازرونی



## هُوَ اللَّهُ تَعَالَى شَانِه

بر ضمیر پاک و خاطر در آن نقادان سخن و مورخان نو و کهن مستور نماند که در زمان دولت جاویدمدت شاهنشاه اسلام‌پناه، خدیو<sup>۱</sup> فلک‌پرچم، شهریار انجوشم، السلطان ابن‌السلطان، الخاقان ابن‌الخاقان، محمد‌علی شاه قاجار- ادام الله ملکه- کتاب مسمی به «تحفه‌السالک» از تألیفات اقل خلیقه<sup>۲</sup>، بل لا شیء فی الحقيقة<sup>۳</sup>، تراب اقدام فقراء، محمد‌صادق، الشهیر به مرشد، المخلص به سالک کازرونی، به تاریخ این مصرع، آغاز و انجام پذیرفت: «جهان پیر اینک گشت برنا» ۱۳۲۵.

### فهرست کتاب «تحفه السالک» مشتمل است بر سی و هشت فصل

فصل اول	در ذکر دیباچه
فصل دوم	در ذکر قصبه و بلده کازرون
فصل سیم	در ذکر بلوک شاهپور و نقوش آن
فصل چهارم	در ذکر محلات و باغ‌نظر کازرون
فصل پنجم	در بیان حالات مشایخ کبار و مزارات و قبورات و اشعار و گزارشات <sup>۴</sup> ایشان
فصل ششم	بیان بقاع و امامزادگان <sup>۵</sup> و ذکر اولاد حضرت موسی ابن جعفر، علیه السلام
فصل هفتم	در ذکر و بیان سلسله خوانین کازرون
فصل هشتم	ذکر سلسله سادات شیخ‌الاسلامی و سادات عظام طباطبائی و سادات حسینی
فصل نهم	ذکر سلسله سادات حسینی و سایر سادات عظام
فصل دهم	ذکر سلسله مشایخ و سایر علماء و فضلای عصر
فصل یازدهم	بیان حالات اطبای کازرون
فصل دوازدهم	در بیان سلسله خواجه مظفر و حاجی کاظم

۱- خدیو: پادشاه

۲- اقل خلیقه: کم ارزش‌ترین مخلوق. مؤلف از این اصطلاح برای خود در این کتاب مکرر به کار برده است

۳- بل لا ... : بلکه هیچ چیز نمی‌باشد.

۴- ن: گذارشات

۵- ن: امامزاده‌گان

در بیان خمّ غدیر بر سبیل نظم	فصل سیزدهم
در ذکر اعیان و اکابر و ریش‌سفیدان کازرون	فصل چهاردهم
در ذکر حالات اشراف کازرون	فصل پانزدهم
در ذکر حالات سلسۀ تجّار و سلسۀ ملک التجار کازرون	فصل شانزدهم
در بیان اقالیم سبعه بر سبیل اجمال و ربع مسکون	فصل هفدهم
در ذکر علمای معاصرین	فصل هیجدهم
ذکر اعیان و ریش‌سفیدان و کخدایان	فصل نوزدهم
بیان شعرای متقدمین و برخی از اشعار ایشان	فصل بیستم
در ذکر شعرای متأخرین و برخی از اشعار ایشان	فصل بیست [و] <sup>۱</sup> یکم
در بیان فواید مسافرت و برخی از اندرز بزرگان	فصل بیست [و] دوم
بیان حال رضوان جایگاه آقا محمد درویش و شرح حال راقم	فصل بیست [و] سیم
در بیان اولاد آقامحمد و ذکر حالات مولانا شاه نعمت‌الله ولی - علیه الرحمة- بر سبیل اجمال	فصل بیست [و] چهارم
در ذکر اکسیر بر سبیل اجمال	فصل بیست [و] پنجم
در ذکر قراء کازرون و عدد قراء مذکور	فصل بیست [و] ششم
در ذکر قنوات و میاه و برکه و باغ و بساتین <sup>۲</sup> کازرون	فصل بیست [و] هفتم
در ذکر اسواق و محصولات و مساجد و حمامات	فصل بیست [و] هشتم
در بیان معرفی عصارخانه کازرون	فصل بیست [و] نهم
در ذکر هیئت جدید به قانون نجوم حکمای اروپ	فصل سی ام
بیان مجلملی از حالات شیخ ابواسحاق و شیخ بزرگوار، قطب الدین محمود و شیخ زین الدین	فصل سی [و] یکم
ذکر تلگرافخانه و پستخانه و جماعت یهود	فصل سی [و] دوم
در بیان عدد امت ختمی مرتبت (ص) و عدد نفوس خلائق و تاریخ طوفان نوح (ع)	فصل سی [و] سوم
ذکر کازرون از قراری که در «بوستان سیاحه» ذکر شده	فصل سی [و] چهارم
در ذکر فضلا و ذاکرین و بقیه حکما	فصل سی [و] پنجم
در ذکر مشروطه و مجلس ملی بر سبیل اجمال	فصل سی [و] ششم
در ذکر مجملی از فارس و حدود و سامان آن	فصل سی [و] هفتم

۱- ن: از فصل بیست و یکم تا آخر فصل سی و هشتم «و» ندارد.

۲- ن: بساطین

فصل سی [او] هشتم در ذکر برخی از اشعار راقم حروف که مشتمل است بر حکایات چند،  
مقاله در مذمت دنیا،

قصیده در منقبت حضرت مولی الموالی (ع) و جواب قصيدة مرحوم میرزا علی اصغر خان صدراعظم،  
شرح حال پر اختلال نعمان سلطان عرب  
بیان معجزه حضرت موسی ابن جعفر، علیه السلام  
مقاله در نصیحت و اندرز با فرزند خود

قصیده در منقبت حضرت مولی الموالی، علی، علیه السلام

قصیده در میلاد امپراطور دولت آلمان

گفتار در انقلاب روزگار و غوغای شیراز. خاتمه در رباعیات است.